



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

A study of the stylistics of Golrokhsar Safiava poems

Kh. Sahebkar Farkhani, M.A. Sharifian\*, Sh. Shafiei Moghaddam

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Shirvan Branch, Islamic Azad University, Shirvan, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 27 August 2021

Reviewed: 29 September 2021

Revised: 14 October 2021

Accepted: 30 November 2021

KEYWORDS

Golrokhsar Safiava, Stylistics,  
Linguistic level, Literary level,  
Intellectual level

\*Corresponding Author

✉ [masharifian47daa@yahoo.com](mailto:masharifian47daa@yahoo.com)

☎ (+98 58) 36423900

ABSTRACT




**BACKGROUND AND OBJECTIVES:** One of the precise and scientific ways that bring the researcher closer to the world of poet and writer is the careful study of stylistic features. The present study examines the style of Golrokhsar Safiava's poems in the field of language, literature and thought.

**METHODOLOGY:** This article is based on library studies and has been done in a descriptive-analytical manner.

**FINDINGS:** Golrokhsar Safiyava is one of the leading poets in the contemporary history of Tajikistan, who has been nicknamed the "Mother of the Tajik Nation". In Golrokhsar Divan, out of a total of 369 poems, the formats of new poems, sonnets, quatrains and combined forms have the highest frequency, respectively. But most of Golrokhsar's poems, which seem to be half-hearted, are originally Masnavi and find the form of a new poem only by step-by-step fragmentation.

**CONCLUSION:** At the linguistic level, Golrokhsar has composed most of his poems in the two seas of Raml and Hazj, but in his poems there are weight strokes. Repetition in its various forms, the use of ancient and Tajik words are other linguistic features of his poems. At the literary level, simile, contradiction and discernment are among the most prominent literary features. At the intellectual level, the most frequent themes are love, expression of the status of women, homeland, pain and sorrow, loneliness, death, and complaints.

DOI: [10.22034/bahareadab.2022.15.6576](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2022.15.6576)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 35	 5	 0

## نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

### مقاله پژوهشی

#### بررسی سبک‌شناسی اشعار گلرخسار صفی‌آوا

خدیدجه صاحبکار فرخانی، محمدعلی شریفیان\*، شب‌نم شفیع‌ی مقدم

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد شیروان، دانشگاه آزاد اسلامی، شیروان، ایران.

#### چکیده:

**زمینه و هدف:** از جمله راه‌های دقیق و علمی که پژوهشگر را به دنیای شاعر و نویسنده نزدیک می‌کند، بررسی دقیق ویژگی‌های سبکی است. پژوهش حاضر به بررسی سبکی اشعار گلرخسار صفی‌آوا در حوزه زبانی، ادبی و فکری پرداخته است.  
**روش مطالعه:** این مقاله براساس مطالعات کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام شده است.

**یافته‌ها:** گلرخسار صفی‌آوا یکی از شعرای برجسته تاریخ معاصر تاجیکستان است که به «مادر ملت تاجیک» ملقب شده است. در دیوان گلرخسار از مجموع ۳۶۹ قطعه شعر، بترتیب قالبیهای نوسروده، غزل، چهارپاره و قالبیهای ترکیبی دارای بیشترین بسامد هستند. اما بیشتر اشعار گلرخسار، که بظاهر نیمایی مینماید، در اصل مثنوی هستند و تنها با تقطیع پلکانی، فرم شعر نو پیدا میکنند.

**نتیجه‌گیری:** در سطح زبانی، گلرخسار بیشتر اشعارش را در دو بحر رمل و هزج سروده است، اما در اشعار وی سبک‌های وزنی بچشم می‌خورد. تکرار در انواع مختلف آن، کاربرد لغات کهن و تاجیکی نیز از دیگر ویژگی‌های زبانی اشعار اوست. در سطح ادبی، تشبیه، تناقض و تشخیص از برجسته‌ترین ویژگی‌های ادبی شعر او محسوب می‌شود. در سطح فکری پربسامدترین مضامین، عشق، مقام زن، وطن، درد و غم، تنهایی، مرگ، و شکوائیه است.

تاریخ دریافت: ۰۵ شهریور ۱۴۰۰

تاریخ داوری: ۰۷ مهر ۱۴۰۰

تاریخ اصلاح: ۲۲ مهر ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۰۹ آذر ۱۴۰۰

#### کلمات کلیدی:

گلرخسار صفی‌آوا، سبک‌شناسی، سطح زبانی، سطح ادبی، سطح فکری

\* نویسنده مسئول:

✉ [masharifijan47daa@yahoo.com](mailto:masharifijan47daa@yahoo.com)

☎ ۳۶۲۴۳۹۰۰ (۰۸ ۹۸)

## مقدمه

خراسان بزرگ و ماوراءالنهر (فرارود)، که امروز بخش اعظم آن در قالب دو کشور تاجیکستان و افغانستان ادامه حیات میدهد، زادگاه ادب فارسی و خاستگاه دانشمندان، نویسندگان و شاعران بزرگی بوده است. در واقع «زبان فارسی امروز در اصل ادامه همان زبان دری است که امروزه بسیاری از مردم افغانستان و تاجیکستان با آن سخن می‌گویند» (بررسی اشعار تعلیمی و غنایی در آثار شاعران معاصر تاجیکستان، نفیسی: ص ۱۲۴). پس از مرزبندیهای سیاسی، میان سه کشور فارسی‌زبان ایران، تاجیکستان و افغانستان، روابط فرهنگی که قرنهای متمادی مردم این سه کشور را بهم پیوند داده بود، از هم گسست؛ اما ریشه‌های پیوندی که زبان فارسی بین فارسی‌زبانان جهان و از جمله تاجیکستان ایجاد کرده بود بسیار محکم بود. بخصوص با استقلال این کشور رابطه‌های فرهنگی و ادبی ایران با آن گسترش یافت و فاصله بین ادبیات تاجیکی و فارسی ایران کمتر شد و بنابه گفته تورسون‌اف «رابطه‌های سینخرونی (همزمانی) دو شاخه ادبیات یگانه (فارسی) یک‌اندازه سست شد، ولی قطع نگردید» (تقدیر تاریخی فرهنگ ملت‌های منقسم، تورسون، اف: ص ۱۶). آگاهی از اوضاع زبان و ادبیات فارسی در خارج از مرزها، خصوصاً در میان کشورهایی که روزگاری جزو ایران بوده‌اند، ضرورتی است که غنای فرهنگ ایران و پویایی شعر و ادب فارسی را در پی خواهد داشت. در راستای این ضرورت، این مقاله اشعار گلرخسار صفی‌آوا را از منظر مؤلفه‌های سبکی در سه حیطة زبانی، ادبی و فکری بررسی نموده است. این مقاله براساس مطالعات کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام شده است.

## سابقه پژوهش

کتب مختلفی درباره شعر معاصر تاجیکستان توسط محققان چاپ شده است، از آن جمله میتوان به کتابهای «ایران در شعر معاصر تاجیکستان» نوشته شعر دوست (۱۳۸۹)؛ «ادبیات فارسی در تاجیکستان» اثر بچکا (۱۳۷۲)؛ «زنگوله زنان گذشت باران، سیری در شعر معاصر تاجیکستان» اثر مجیب و ذبیح‌الله (۱۳۹۰)؛ و «سیر تحول شعر نو در ادبیات تاجیک» نوشته بوند شهریاری (۲۰۰۲) اشاره کرد که در خلال این کتب مطالبی درباره شیوه شاعری گلرخسار صفی‌آوا نیز آمده است. درمورد اشعار گلرخسار نیز مقالاتی چاپ شده است که عمدتاً مفاهیم و مضامین فکری اشعار او (خصوصاً مضمون وطن) را مورد بررسی قرار داده‌اند، بعنوان نمونه خدایار در مقاله «تحلیل نوستالژی وطن در میراث شعری بانوی تاجیک؛ گلرخسار صفی‌آوا» (۱۳۹۸ الف) به بررسی مفهوم وطن در شعر این شاعر پرداخته است؛ او همچنین در مقاله دیگری با عنوان «تحول مفهوم وطن در ادب معاصر تاجیک: از معارف پروری تا استقلال و خودآگاهی ملی» (۱۳۹۸ ب) تحول مفهوم وطن در ادب معاصر تاجیک را به چهار دوره معارف‌پروری (روشنگری / ۱۹۰۵-۱۸۰۷ م)، تجددگرایی (۱۹۰۵-۱۹۱۷ م)، ادبیات شورایی (۱۹۱۷-۱۹۹۱ م)، و دوره استقلال و خودآگاهی ملی (۱۹۹۱ تاکنون) تقسیم کرده است. همو در مقاله دیگری با عنوان «تحلیل و صورت‌بندی هویت ملی فارسی‌زبانان در اندیشه و شعر گلرخسار صفی‌آوا» (۱۳۹۸ ج) هویت ملی آریایی‌تباران را در پنج گروه: ۱- سرزمین مادری (آریانا)، ۲- نظام اسطوره‌ای ملی (ملت خورشید)، ۳- تبار ملی (ایران و توران)، ۴- زبان ملی (زبان مادری)، ۵- شاهکار ملی (شاهنامه و باز تولید آن) دسته‌بندی کرده است. علیرضا قزوه نیز در کتب و مقالات متعددی به بررسی شعر معاصر تاجیکستان پرداخته است که در نگارش مقاله حاضر از آنها نیز استفاده شده است.

## بحث و بررسی

### معرفی گلرخسار صفی‌آوا و آثار وی

گلرخسار صفی‌آوا در هفدهم دسامبر سال ۱۹۴۷ میلادی در روستای کوهستانی «یخچ» (از ناحیه کومسومول آباد: نورآباد کنونی) بدنیا آمد (دانشنامه زبان و ادب فارسی، انوشه: صص ۷۳۴-۷۳۵ و زندگینامه در سكرات گلرخسار، شریفی: ص ۷). گلرخسار در سال ۱۹۶۸ رشته زبان و ادبیات فارسی تاجیکی دانشگاه دولتی تاجیکستان را پایان رساند. در همان سال کارمند روزنامه «کومسومول» تاجیکستان شد. وی در سالهای تحصیل در دانشگاه، رئیس محفل ادیبان جوان بود. او در سال ۱۹۷۱ به عضویت کانون نویسندگان شوروی درآمد و یک سال بعد، سردبیر روزنامه «پیانیر» تاجیکستان شد. در سال ۱۹۷۸ جایزه شوروی کومسومول لنین را از آن خود کرد و در سال ۱۹۸۱ به دبیری اتحادیه نویسندگان تاجیکستان منسوب شد و در سال ۱۹۸۷ ریاست بنیاد فرهنگ تاجیکستان را برعهده گرفت. وی نخستین شعرش را در سال ۱۹۶۲ در روزنامه «قراتگین» شوروی بچاپ رسانید (ادبیات فارسی در تاجیکستان، بچکا: ص ۲۱۶). وی در صحنه سیاست نیز حضور فعال داشته و چندی عضو پارلمان شوروی بود و در سال ۱۹۹۱ در اعتراض به قانون شکنیهای پارلمان همراه عده‌ای دیگر دست به اعتصاب غذا زد. همچنین او نخستین شاعر تاجیک بود که در مقام عضو مؤثر پارلمان شوروی در اوایل دهه ۹۰ میلادی به ایران سفر نمود. صفی‌آوا جزو شاعران دوره سوم ادبیات شوروی تاجیک است و از جمله افرادی است که نقشی حیاتی در احیای هرچه بیشتر در دری ایفا کرده است. قزوه گلرخسار را از شاعران نسل پنجم-نسل پرتلاش و نوگرا، صاحب اعتبار و نام-میداند (خورشیدهای گمشده، قزوه: ص ۶۶)، اما شریفزاده مود، وی را از نسل شاعران نسل دوم (تأثیر شعر معاصر ایران بر شعر تاجیکستان، شریفزاده مود: ص ۱۵۳) و خدایار وی را «یکی از برجسته‌ترین نمایندگان ملی‌گرای شعر معاصر تاجیک» معرفی میکند. درهرحال صفی‌آوا اگر نماینده تام و تمام شعر تاجیکستان نباشد، بی‌هیچ تردید شعر او یکی از زنده‌ترین، زیباترین و هنریترین وجوه شعر تاجیک را بنمایش درآورده است. دایره وسیع واژگان، اسلوب و ساخت زیبا، برخوردار از پشتوانه غنی فرهنگی و... موجب شده است که وی را نه تنها در ایران، بلکه در اکثر محافل فرهنگی جهان بعنوان سخنگوی شعر تاجیکستان بشناسند. صاحب نظران بزرگی چون چنگیز آیت‌ماف، رسول حمزه اف و میرزا ترسون زاده به شعر او و استعداد تابناک این ادیب برومند بهای زیادی داده‌اند (دیوان اشعار صفی‌آوا، مقدمه شکورزاده: ص ۱۵).

گلرخسار به زبان روسی هم شعر میگوید و کتابی را نیز با عنوان «خورشید بدون مونی» در مسکو به سال ۱۹۹۷ چاپ کرد. همچنین او با نوشتن رمان «زبان سبز بهار» بعنوان نخستین بانوی رمان‌نویس در ادبیات تاجیکستان و آسیای مرکزی مطرح گردید. گلرخسار سروده‌هایی برای کودکان نیز دارد و در این حیطه فعالیت‌های وسیعی از خود نشان داده است. از جمله فعالیت‌های دیگر فرهنگی وی، برگرداندن آثار شماری از سخنوران به فارسی تاجیکی است که بسیار درخور توجه است (دانشنامه ادب فارسی، انوشه: صص ۷۳۴-۷۳۵). منظومه‌های شب درو (۱۹۷۲)، ماتم سفید (۱۹۸۳)، سپر (۱۹۸۲)، روح عریان (۱۹۸۶)، ژاکن (۱۹۹۰)، سیاه و سفید (۱۹۹۳)، من و شب (۱۹۹۳) از مهمترین سروده‌های اوست. آثار ذیل نیز از جمله آثار تحقیقاتی و منثور وی بشمار میروند: فولکور و وادی قراتگین، شناخت رباعیات عمر خیام، اشک قطره باران، زنان تاجیکستان، روزنامه بدون روز، زن و جنگ، روایت‌های ناگفته (از ساقه تا صدر، موسوی گرمارودی: ص ۵۷۱). همچنین وی سه رمان با نامهای «زنان سبزه‌بهار»، «زن و جنگ» و «سکرات» در کارنامه خود ثبت رسانده است.

### نگاهی به قالبهای شعری دیوان گلرخسار صفی‌آوا

قالبهای «غزل، چهارپاره پیوسته، رباعی، دوبیتی، نیمایی، مثنوی و کمتر از همه مسمطهای ترجیع یا تضمین که اغلب مخمس هستند» را رایجترین قالبهای رایج در شعر معاصر تاجیک معرفی میکنند (چشم‌انداز شعر معاصر تاجیکستان، شعر دوست: ص ۱۹۳). در دیوان گلرخسار نیز - همانطور که در جدول ذیل مشاهده میشود - از مجموع ۳۶۹ قطعه شعر، بترتیب قالبهای نوسروده، غزل، چهارپاره و قالبهای ترکیبی دارای بیشترین بسامد هستند. درخصوص اشعار نیمایی یا نوسروده‌ها یا به قول تاجیکها «عروض نو» محققان بسیاری به رواج شعر نو در میان شاعران معاصر تاجیکستان و ضعف این نوع شعر سخن گفته‌اند (تأثیر شعر معاصر ایران بر شعر تاجیکستان، شریف‌زاده مود: ص ۱۵۳ و ۱۵۰ / چشم‌انداز شعر معاصر تاجیکستان، شعر دوست: ص ۳۰۰ / خورشیدهای گمشده، قزوه: ص ۲۴) اما آنچه درخصوص اشعار بظاهر نیمایی گلرخسار قابل ذکر است، این است که برخی اشعار وی تنها از نظر تقطیع ظاهری به شعر نو شباهت دارند و «در اصل مثنوی هستند و تنها با تقطیع پلکانی، فرم شعر نو را پیدا میکنند. در این نوع اشعار، گاه ساختار مثنوی ظاهر میشود. آوردن بیتی با قافیه مزدوج در برخی از اینگونه اشعار نشانگر آن است که شاعر گویا نخست قصد سرودن مثنوی را داشته اما بعد شعر را بصورت آزاد ادامه داده است. گاه هم یک مثنوی کامل، برش خورده و هیئت نو یافته است» (چشم‌انداز شعر معاصر تاجیکستان، شعر دوست: ص ۱۹۰)؛ مانند شعر «شاعر فردا» که ابیات پایانی آن بشکل مثنوی آمده است (۶۹۸).

درخصوص قالب چهارپاره، عالی‌عباس‌آباد معتقد است در شعر تاجیکستان این قالب «در انواع مختلف آن، حرف اول را میزند» (جریان‌شناسی شعر معاصر، عالی‌عباس‌آباد: ص ۱۹۹). قزوه نیز دلیل اقبال شعری تاجیک به این قالب شعری را «الگوپذیری تاجیکها از ادبیات روس و توجه روسها به قالب چهارپاره» ذکر میکند (نسلها و جریانهای شعری در شعر معاصر تاجیکستان، قزوه: ص ۹۶). البته این موضوع را میتوان با درنظر گرفتن مکتب رایج شعری در اشعار معاصر تاجیکستان، که رمانتیسیم است و شاعران رمانتیک را «چهارپاره‌سرایان» مینامند، توجیه نمود.

جدول قالبهای شعری مورد استفاده در اشعار گلرخسار صفی‌آوا

قالب	غزل	قطعه	چهارپاره	مثنوی	رباعی	دوبیتی	نوسروده	قالبهای ترکیبی
تعداد	۷۷	۱۷	۷۰	۲۵	۱۱	۷	۱۲۰	۴۲
ابیات	۵۶۷	۸۵	۶۸۲	۱۵۵	۲۲	۱۴	۳۷۱۵ سطر	۳۸۹

### سبک‌شناسی اشعار گلرخسار صفی‌آوا

#### سطح زبانی

**موسیقی بیرونی (وزن):** شعر دوست بحر رمل را «پرکاربردترین بحر عروضی در شعر تاجیکستان» میداند (چشم‌انداز شعر معاصر تاجیکستان، شعر دوست: ص ۲۴۲). در اشعار گلرخسار نیز دو بحر رمل و هزج بسامد بیشتری دارند. در برخی اشعار او ایراداتی در وزن دیده میشود. شعر دوست درخصوص این ویژگی، که آن را خاص همه شاعران تاجیک میداند، مینویسد: «در شعر تاجیکستان بدلیل تفاوت گویشی تاجیکان با ایرانیان و نیز عدم تسلط اکثر شاعران معاصر به وزن عروضی، سکنه‌ها و اشکالاتی بچشم میخورد. ... جدایی شعر تاجیکستان از شعر ایران

در دوره سلطه روسها باعث شد شاعران آن خطه تا حدودی با سنت‌های ادبی بیگانه شوند. یکی از نمودهای این بیگانگی، عدم آشنایی و تسلط بر وزن عروضی بود. خصوصاً اینکه شاعران تا جیکستان بدلیل برخی تفاوت‌های گویشی، به آموزش عروض سخت نیازمند بودند (همان: ص ۲۴۱).

#### جدول اوزان مورد استفاده در اشعار گلرخسار صفی‌آوا

نام بحر	رمل	هزج	مضارع	مجتث	رجز	منسرح	مقتضب
درصد	٪۳۸/۵	٪۲۷	٪۱۶/۱	٪۱۲/۱	٪۴/۶	٪۱/۳۵	٪۱/۳۵

موسیقی کناری (قافیه و ردیف): ردیف‌های اسمی در اشعار گلرخسار کم نیستند، اما تمایل او به استفاده از ردیف‌های فعلی بیشتر از ردیف‌های اسمی است.

#### جدول ردیف‌های مورد استفاده در اشعار گلرخسار صفی‌آوا

نوع ردیف	ردیف فعلی	ردیف اسمی	ردیف طولانی	ردیف ضمیر	ردیف ترکیبی	ردیف حرفی
درصد	٪۷۰	٪۱۴	٪۴/۷۹	٪۱/۵۲	٪۴/۳۷	٪۵/۳۲

#### موسیقی درونی

تجنیس: جناس‌های مذیل و مضارع بسامد بیشتری در اشعار گلرخسار دارند: تام: خویش-خویش (۲۰۳)، قلم و قلم (۳۴۰) / مذیل: ابر-ابرو (۲۴)، روی-رویه (۲۵)، بند-بنده (۲۷)، شاه-شاهد (۳۸)، چشم-چشمه (۳۹)، فر-فره-فرح (۳۹)، سبز-سبزه (۴۳)، زیب-زیبا (۸۸)، زهر-زهره (۹۴) / مضارع: دود-عود (۲۶)، بخت-تخت (۴۳)، نفس-فقس (۵۶)، باد-یاد (۵۹)، شراب-خراب (۶۱)، جهان-نهان (۶۴)، راز-ناز؛ ننگ-سنگ (۱۳۷)، دف-کف؛ شور-جور (۶۹۹) / اوسط: تاب-تب (۴۹)، جان-جهان (۶۴)، شعر-شعور (۶۹)، جام-جم (۱۲۷) / خط (مصحف): بشکستن-نشکستن (۸۵)، چشم-خشم (۱۱۷) / قلب: پسند-سپند (۳۶)، خالی-خیال (۱۴۸)، نام-نما (۱۵۱)، نگاه-گناه (۵۰۹)، اشتقاق و شبه‌اشتقاق: راستی-راستان (۲۸)، شعور-شعار (۳۴)، نیش-نوش (۴۰)، افسون-افسانه (۵۵)، گردون-گردان (۶۳)، نور-نار (۷۳ و ۸۳)، زمین-زمان (۱۰۳)، آستین-آستان (۱۲۴) / ناقص (حرکتی): مهر-مهر (۲۶)، گل-گل (۳۴ و ۶۶) / مرکب: آبرو-آب رو (۵۰) / مطرف: یاد-یار (۶۵)، بهای-بهار (۱۲۵).

تکرار: تکرار در اشعار گلرخسار با بسامد بسیار زیادی در اشکال مختلف دیده میشود اما تکرارهای او خصوصاً تکرار کلمات و جملات، بیشتر جنبه تأکید دارد تا موسیقایی.

تکرار واج: شیرینک ناز نازنینم/ در نام تو یک نواله قند است (۳۶)، از تو سیمینتر تویی تو (۳۷)، دود هزار دیده را دیده ندیدی (۳۹)، دیوانه ما دیو ز دیوان دگر نیست (۱۲۱)، خویش خواهم خویش را / پیش خویش و کیش مردم (۲۳۲) نه به زوری نه به زاری نه با زر (۳۰۶)، لولوی لبی لالا، تب‌خال تبی دارم (۳۳۳).

تکرار کلمه: به راه آمد آمدت، ز آمد نیامدت (۴۲)، از آبرو و آب رو نماندست آب چشم (۵۰)، بیا بگو خدای من، خدا کجا، خدا کجاست؟ (۵۳)، حیف من، حیف همه منهای در من گمشده (۵۷)، سی تار شو سی تار شو، من

آمده‌ام من آمده‌ام (۷۳)، من نام شما، ننگ شما، عار شما (۸۴)، با سر تنهای تنها همسر تنهایی (۸۶)، با که  
 گریم؟ با که خندم؟ با که نالم؟ با که بالم؟ (۸۸)، سبزنار و سبز راز و سبز اعجازم کجایی؟ (۸۸)، چه دنیایی! چه  
 دنیایی! چه دنیا (۳۹۹)، عالمی در عالمی و آدمی در آدمی (۵۹۰).

تکرار عبارت و جمله: علاوه بر بیت یا مصرعی که در برخی اشعار وی تکرار میشود و یادآور ترجیع‌بند است، تکرار  
 عبارات و جمله در اشکال ردالمطلع، تصدیر و.. دیده میشود.

ردالمطلع: در اشعار داستان اشک و خون (۱۴۲)، در پناه ترانه (۱۹۷)، گریزه (۳۰۴)، نابرابر (۳۱۷)، برای تو (۴۰۲)،  
 ملت خورشید (۴۷۵).

رد الصدر الی العجز: عاشقی را خواب دیدم / خواب دیدم شوق عریان زلیخا را (۶۹۶)، زندگی خالی از شور و شر / در  
 شمار بیشمار زندگی است (۸۰)، از کجایم؟ تا کجایم؟ من سؤال اندر سؤالم / ای کلید صد در پوشیده و بازم،  
 کجایی؟ (۸۸).

تابع اضافات: من روغن شب‌چراغ غمهای خودم (۲۶)، شاعر خون خود و نبض خود و درد خودم (۷۵)، وارث بار  
 کج مرکب جهل دگران (۱۳۱)، نوبت رقص سماع حضرت ساقی است (۶۹۹).

طرد و عکس: تو در غم او، او در غم تو (۲۵۹)، تو از من بودی و من از تو بودم (۳۱۷)، باز حرام و بدگهر پاک و  
 حلال است / باز حلال و پاک من زشت و حرام است (۳۵۰)، زنده مرده، مرده زنده (۳۹۰)، شیم روز است و روز  
 شب، خدایا (۴۱۵)، ز یک انجام بی‌آغاز و صد آغاز بی‌انجام (۴۲۵).

ترصیع و موازنه: شعورم هرزه میبافد، شعار بینوا را بین / غرورم خاک میبوسد سزای من جزا را بین (۳۴)، عدل را  
 داور تویی تو / فضل را یاور تویی تو (۳۷)، دمید اختر نفس، پرید اختر هوس (۴۲)، زخمار گل رسیدم، نفس خزان  
 دارم / به دیار گل رسیدم هوس بهانه دارم (۶۶)، دردم گذشت، حاجت ردمان نمانده است / زخم شکفت، غنچه  
 هجران نمانده است (۹۴).

### سبک‌شناسی واژه‌ها

کلمات ذیل بسامد بسیاری در دیوان گلرخسار دارند که با مضامین موجود در اشعار وی (سطح فکری) نیز همخوان  
 هستند: فصل پنجم عمر، شه‌پرک، تنهایی، شید، حزن، گشنه، جهل، زعفرانی، ضیا. بعلاوه گلرخسار از واژه‌های  
 کهن و واژه‌های بومی (تاجیکی) بسیار استفاده میکند که در میان دیگر شاعران معاصر تاجیک نیز دیده میشود. از  
 مهمترین ویژگیهای شعر امروز تاجیک، استفاده فراوان از واژه‌های بومی است؛ واژه‌هایی که گاه ریشه در فرهنگ  
 هزاران ساله آن سرزمین دارند و گاه محصول همین چند دهه اخیرند.

کاژ- شاگون (۲۸)، پتون- نواله- پرند (۳۶)، شید (۴۰)، نقار (۹۰ و ۴۶)، پار (۴۷)، کنشت (۴۹)، فرنوشت- یسنا  
 (۵۰)، طاقه (۵۲)، ارغشت (۵۴)، ناعیان (۵۹)، گل سره (۶۱)، دینه (۶۵)، چغانه (۶۷)، یاله (۷۰)، سرسان (۷۳)،  
 دریوزه- زولانه- زقوم‌دانه (۷۹) ارمان (۸۵)، خواند (۹۹)، زنبیله- آروان (۱۰۴)، سل (۱۱۰)، کلمک (۱۲۲)، جغز  
 (۱۳۲)، شهرگ- ورزاب (۱۳۹)، پریشه (۱۴۹)، غصص (۱۵۱)، پاتابه (۱۵۵)، پشتاپشت (۱۶۳)، ترداد (۱۷۱)، شرشره  
 (۱۷۵)، گریان خنده‌ریز (۱۷۷)، خودشکوف (۱۷۷)، شه‌ستون (۱۸۲)، نول (۱۸۸)، میسه (۲۰۱)، عابیده (۲۰۳)،  
 غوزه (۲۱۴)، پرمه- فند (۲۲۱)، پزمان (۲۲۲)، گلخن (۲۲۴)، عنتیقه (۲۲۴)، جوبار (۲۲۵)، نیچه- سرسان- مقل  
 (۲۲۷).

ترکیبات: دیوان گلرخسار از نظر ساخت ترکیبات گوناگون و زیبا بسیار غنی است: دودرو (۲۳)، آتش‌نظر (۲۴)، سرمابرده (۲۸)، عرضه‌باز (۳۰)، خنده‌سار (۳۳)، خزان‌سوز (۳۵)، رقص کمرشکسته (۴۰)، غمستان (۴۰)، محال‌آشتی (۴۱)، شررنا- گناه‌سوز (۴۳)، ره‌پا (۵۰)، صباح‌نورزا (۵۳)، غم‌کشان - طلاق‌خسته ارمان (۵۴)، خم‌پوش (۶۴)، ریشه‌بوم (۶۵)، گرم‌جوشی (۶۷)، خودنازی-خودخواری (۶۸)، گل‌یار، گل‌کار (۷۲)، غم‌فگار (۷۹)، هرزه‌باران سخن (۸۱)، لب‌لال‌تمنا (۸۵)، قله‌پرداز (۸۸)، ترانه‌آفر (۹۴)، رخشانه (۹۷)، سغدانه (۹۷)، پیر لولی‌تبار (۹۹)، ترمگ (۱۰۱)، گریه‌زعفرانی (۱۰۴)، دلکده (۱۰۴)، خوسه‌پرور (۱۰۵)، خونشار (۱۰۹)، گل‌بیز-مردده‌بان-غم‌فریب (۱۱۰)، مستانگی (۱۲۰)، سرپست (۱۲۲)، فلانان (۱۲۳)، جوان‌پیری (۱۲۷)، رودستان-روشاد (۱۳۹)، برف‌پسه (۱۴۹)، مرمین‌جان (۱۶۳)، دکمه‌چه‌قافو (۱۶۳)، لرزه‌بنیاد (۲۲۱)، بی‌رهمه-شادجان (۲۲۶)، خدانما (۲۳۴)، خس‌آبه (۲۳۷)، کاکل‌بیز (۲۳۹)، آتش‌نهاد-حسرت‌بیان (۲۴۰)، سیه‌مرگی (۲۵۰)، گل‌خنده (۲۵۱)، عکس‌انداز (۲۶۱)، گردون‌نورد-غم‌آفر (۲۶۵)، خزان‌ریز (۲۶۹)، خیرباد (۲۷۷)، بخت‌باران (۲۷۸)، عدل‌خانه (۲۸۳)، حزن‌بنیاد (۵۸۰)، دادران (۵۸۸)، غره‌مرگان (۵۹۳)، تاریکستان (۶۰۴)، قیح‌پروریده (۶۱۳)، شه‌کتاب (۶۱۹)، طاقه‌طاقه (۶۳۱)، پاگه‌نشین- سفیدفالی (۶۴۵)، یخبند (۶۴۶)، گشنه‌چشم (۶۸۴).

#### بکارگیری مختصات زبانی سبک‌های کهن

کاربرد «همی» قبل از فعل ماضی و مضارع: همی گنجد (۱۱۵)، همی میرم (۲۱۲)، همی بوسم (۳۶۲)، همی خواهم (۴۲۴)، همی دانم (۴۴۹)، همی زند (۴۸۹)، همی باید (۵۴۶)، همی پرسد (۵۸۳)، همی دیدم (۶۰۲)، همی خندید (۶۵۵).

بکارگیری حرف اضافه‌اندز: (۸۸ و ۳۹۹ و ۴۴۱ و ۴۴۶ و ۵۱۷).

کاربرد «یکی» در جایگاه ادات نکره: یکی تخت روان (۳۷۳).

کاربرد فعل، مصدر و صفت، در شکل کهن و در مواردی بصورت اشتباه: سبزیده‌ام (۲۴)، رخشید (۳۲)، نگگذار (۴۳)، تفتیده (۷۴)، هیچیدن (۱۶۰)، بودستی (۲۲۱)، نَمُرم (۲۳۵)، سوزید (۲۵۹)، نتاند (۲۶۴)، پزمانند (۲۹۲)، خواهما (۳۰۱)، رزمیده (۳۵۴)، بخشیده میتوانم (۳۶۷)، افتیده‌اید (۳۷۹)، بمیردا (۳۸۱) نامد (۳۸۴)، میبیدی (۳۸۵)، نست (۳۹۸)، میساوند (۴۵۹)، غرقیدن (۵۷۶)، تولیدم (۵۸۹)، پیچانیده (۶۱۰)، بیفتانم (۶۴۱)، نتانم (۶۶۰)، نبشناسد (۶۶۲).

#### سطح ادبی

این سطح یکی از ضعیف‌ترین سطوح موردبررسی در دیوان گلرخسار است. محققان نیز به ضعیف بودن سطح ادبی و فقدان تصویرسازیهای بدیع و قوی در اشعار معاصر تاجیکستان اذعان دارند و معتقدند «شعر امروز تاجیکستان بسبب دور ماندن در سالهای گذشته از زبان رسمی فارسی، خو گرفتن با تصویرهای محدود بومی و جدالی نفسگیر، که با فرهنگ روسی و کمونیستی داشته است، ضمن برخورداری از سادگیهای خاص خود، در بهره‌مندی از تصویرهای بکر و جالب توجه ادبی، کمتر توفیق داشته است» (نگاهی به سبک شعر امروز تاجیکستان، مدرس‌زاده: ص ۱۹۲ و تأثیر شعر ایران بر شعر معاصر تاجیکستان، شعردوست: ص ۲۸).

تشبیه و استعاره: غالب تشبیهات موجود در دیوان گلرخسار بصورت بلیغ (اضافه‌های تشبیهی) است: مقراض پا (۲۴)، چارسوی زندگی (۲۵)، حور الم، دیو ستم (۴۱)، دیو تنهایی (۴۳)، باغهای خستگی (۵۷)، سرمه عصمت



(۷۱)، گردون تمنا (۱۰۶)، دیو بلا (۱۱۲)، مکتبخانه دریا (۱۱۵)، کشتزار عشق (۱۳۵)، شیر شوق (۱۳۹)، دفتر اجل (۱۹۶)، سنگر امید (۲۰۳)، رخس یاد (۲۱۰)، کاروان عمر (۲۱۴)، مرغ هوس-مهد جان (۲۲۶)، شهپر امید (۲۴۹)، تیر نگاه (۲۶۴)، عسگر محبت (۳۱۱)، گل هوس (۳۳۹)، پرستوی وصال (۳۶۲)، کوچۀ مراد (۳۶۶)، سنگ نامرادی (۳۶۸)، سمند روزگار (۳۸۹)، عقاب ابرو (۳۹۲)، سنجه درد (۳۹۸)، سیب گنه (۴۳۲)، برف الم (۵۳۴)، برف گیسوان (۵۳۹)، گلخن خودفروزی (۵۴۶)، آسمان قسمت (۵۵۰)، دیگ حرص و فتنه (۵۶۲)، ساز هستی (۵۶۷)، مرغ الهام (۵۹۳)، دیگدان عشق (۶۴۴).

بیشتر استعارات در دیوان گلرخسار نیز در شکل استعاره مکنیه آمده و استعاره مکنیه نیز در اکثر موارد بصورت اضافی و با استفاده از اعضای بدن است: پنجه بیچارگی (۲۶)، خشم دهر (۲۹)، دیده عقل (۳۴)، چشم حزن (۳۸)، گوش امید (۳۹)، چشم مدارا (۴۸)، چشم غم (۵۳)، دست قضا (۹۳)، چشم روح (۱۰۰)، دوش کوهساران (۱۱۶)، آستین عصمت (۱۲۴)، خنده خورشید- پنجه اندیشه (۴۷۱)، پاشنه خواهش (۵۸۶)، ریش آبشار (۶۲۳). نکته مهمی که در برخی اضافه‌های استعاری دیده شد، وجود یک کلمه مابین ترکیب است که گاه تعیین مضاف‌الیه را با مشکل روبرو می‌سازد: عود وجود زندگی (۳۲)، دوش سرد موج (۱۷۰)، نبض طاقت تحقیر (۵۶۷)، نگاه سرمه شب (۵۹۷)، دست طفل روشنایی (۶۰۴).

**تشخیص:** «در اشعار گلرخسار تصویرسازی به یاری تشخیص، جای ویژه‌ای دارد... گرچه اندوه و تنهایی موضوع بسیاری از شعرهای گلرخسار است، اما وی در دنیای خیال همنشین طبیعت ذیشعور است، همنشین دریا و باد» (چشم‌انداز شعر معاصر تاجیکستان، شعر دوست: ص ۳۲). مانند: چراغ خانه‌ات مژگان بهم زد (۲۳۰) باد با چنگال لوزان/ دانه را از گه جدا کرد (۲۳۱)، شب خنده میکند (۴۵۳)، کفشهای پاره‌پاره‌ام بلند می‌خندند (۵۰۴)، نسیم آه میکشد (۵۴۳)، شفق بیدرد می‌خندد/ غروب از درد می‌میرد (۶۱۵).

**پارادوکس:** پارادوکسهای موجود در دیوان گلرخسار به دو دسته ترکیب اضافی و جمله اسنادی قابل تقسیم هستند:

در شکل ترکیب اضافی: رنگ بیرنگی (۳۰)، غمستان فرح (۳۰)، ثواب یک گنه (۳۱)، هزار فرد (۳۵)، لال صدزبان- ناله لال (۴۲)، خنده گریان‌نسب (۴۶)، ظلمات نور (۵۱)، شادی محزون (۵۲)، هشیار مست (۶۱)، نبود بودگان (۷۴)، عزت شرمندگی (۱۷۰)، محیط زنده مرده (۲۰۰)، زرکده بی‌زر (۳۳۴)، نادارایی دارایی (۳۴۵)، کوزه‌گر کوزه‌شکسته (۳۴۹)، بهشت دوزخ (۴۲۳)، خویشک بیگانه (۴۳۳)، یکتای باهمه (۴۳۹)، نقدِ نسیه (۴۴۵)، گناه بیگناهی (۴۴۶)، گفته ناگفته‌هایم (۴۵۶)، صدای بیصدایی (۴۶۷)، وادی هیچ کجا (۵۰۴)، ویرانه‌آباد (۵۶۶)، مرگ‌زاد (۶۲۲)، آتشگه سردی (۶۳۲)، پیراهن عریانی (۶۹۷).

در شکل جمله: یک روزه و صدساله‌ام (۲۵)، از زنده‌های مرده‌ام (۲۸)، کم‌گشته و فزون‌شده، پیدا و گمشده (۵۵)، خواب من گویاترین بیداری است (۶۸)، در بلندی سکوتم پیکر آواز بین (۷۰)، از صد نهان پیدا شدم (۷۲)، مرگ آغاز همه انجامهاست (۸۰)، صبر من حلوای زهرآلوده است (۱۱۹)، گنهکاری است اصل بیگناهی (۱۷۹)، زندانی آزاد خویشم (۲۰۱)، زندان تو آزادی است (۳۶۳)، هوشیاری مست خواب است (۴۲۱)، خندیده می‌گیریم (۵۹۰)، بیهنر بودن هنر بودست (۶۶۰).

**تضمین:** همگان خانه و من خانه خدا میبینم (۷۶)، هفت کوه روح را عطار گشت/ ما هنوز اندر خم نفس خودیم (۱۵۲)، عطر جوی مولیان و نکه‌تیش/ ما ز شعر رودکی بوییده‌ایم (۱۵۶)، خون میدمد از خاک شهیدان وطن وای (۳۵۵).

**تنسيق الصفات:** مست و رسوا، شور و بلوا چیده رفت (۷۴)، مست و هشیار و خفته و بیدار (۷۸)، روزرد و نگه‌سرد و اجل‌خواه چرایید (۸۳) پاک و پاکیزه و طفلانه برون خواهم رفت (۹۷)، دلش بیحال و بی‌بال و دونیمه (۲۲۴)، زمن افسونگر و زیبا و برناست (۳۰۷).

**تلمیح:** علاوه بر وجود تلمیحات (خصوصاً تلمیحات اساطیری) در خلال اشعار گلرخسار، نام برخی سروده‌ها، خود حاکی از کاربرد صنعت تلمیح هستند. «اکثر اشعار گلرخسار دارای زمینه ذهنی هستند که این زمینه می‌تواند حوادث تاریخی زمان حال و گذشته و یا اشعار و داستانهایی از گذشتگان باشد» (نقد و بررسی نوآوری در شعر معاصر تاجیکستان، شفیع‌پور فومنی و وفایی: ص ۲۲۰). سروده‌هایی چون شاهنامه، بر سر تربت حافظ، ایران و توران، نی مولانا، از غم تهمینه‌ها، عطار، نگاه شمس و...

اما بیشترین نمونه تلمیح در اشعار گلرخسار مربوط به تلمیحات اساطیری و شاهنامه‌ای است. اهداف و علل استفاده از اسطوره‌های حماسی در اشعار گلرخسار در دو حیطه ملی (وطنی) و سیاسی قابل تقسیم و بررسی است. در وحله نخست هدف گلرخسار از کاربرد تلمیحات اسطوره‌ای، رسیدن به مقاصد ملی (وطنی) است. «وی همچون دیگر شاعران تاجیک، بیشتر درصدد اثبات هویت ملی، اجتماعی و فرهنگی خود است و برای اثبات این مدعا بیشتر از شخصیت‌های اساطیری ایرانی، کسانی مانند رستم، سهراب، حلاج، مزدک و... یاد میکند» و بهمین علت «به ایرانی تبار بودن آنها توجه دارد و در پی زنده کردن شخصیت‌های اسطوره‌ای و باستانی مانند رستم، سهراب، سیاوش و یا شخصیت‌های عرفانی مانند خضر و منصور حلاج است» (بررسی تطبیقی کاربرد اسطوره و کهن‌الگو در شعر فروغ فرخزاد و گلرخسار صفی‌آوا، اکبری بیرق و اسدیان: صص ۱۷۴ و ۱۸۵). «تا دمی وارث بیچاره جمشید منم / در لب ملت من جام جمی گریان است» (۱۲۷).

عامل دوم کاربرد شخصیت‌های اسطوره‌ای، سیاسی است. «وی شعر را ابزاری برای مبارزه با ظلم زمانه خود میدانند» (بررسی تطبیقی کاربرد اسطوره و کهن‌الگو در شعر فروغ فرخزاد و گلرخسار صفی‌آوا، اکبری بیرق و اسدیان: ص ۱۷۴) و بعنوان نمونه از دو شخصیت هابیل و قابیل برای نشان دادن بیعدالتی‌های حاکم بر جامعه استفاده میکند و در شعر «ژکان» میسراید: «با زبان خود خواهد گفت: / خون پاک هابیلیان / در گردن قابیل پرستان» (۶۶۱). نکته مهم در این زمینه، بسامد اندک تلمیح به احادیث و قرآن در اشعار اوست. موضوعی که در اشعار دیگر شاعران تاجیکستان نیز مشهود است. قزوه نیز «دور افتادن از فرهنگ دینی و واژگان قرآنی» را یکی از کاستی‌های شعر تاجیک محسوب داشته و مینویسد: «اصطلاحات و اعتقادات دینی در اشعار شاعران آن دیار بسیار کم‌رنگ بچشم می‌خورد. بیشتر شاعران آنجا با معنای آیات قرآن و احادیث بیگانه‌اند» (خورشیدهای گمشده، قزوه: ص ۴۵). گلرخسار تنها به داستان‌های قرآنی مانند آدم و حوا و یوسف (بصورت محدود) اشاره دارد. در شعر «بی‌کفن» و «ارغشت نکهت گل» نیز به واقعه عاشورا اشاره کرده است: «از کربلا گذشتیم، از صد بلا گذشتیم» (۵۴).

اساطیری: (۳۲ مورد) رستم (۹۵ و ۲۹۷ و ۲۹۸ و ۵۱۵ و ۱۴۱ و ۱۲۲ و ۴۷۸)، سهراب (۱۴۱ و ۵۱۵ و ۲۹۷ و ۴۷۸ و ۱۲۲)، جم (۶۹۹ و ۳۰۱ و ۱۲۷ و ۳۴۴ و ۴۱۷) و تهمینه (۲۹۷ و ۵۰۷ و ۴۷۸ و ۱۲۲)، رخس (۹۵ و ۳۳۲ و ۶۶۳)، سیاوش (۵۱۴ و ۱۳۹)، آرش (۳۴۴ و ۱)، کاوه (۲۰۷)، زال (۲۰۹)، فریدون (۳۴۶)، گردآفرید (۵۰۸)، / تلمیح به داستان پیامبران: (۴ مورد): / آدم و حوا (۵۵۱ و ۵۲۷)، مصطفی (۵۹۷)، ابراهیم (۴۴۷)، تلمیحات غنایی: (۵ مورد): زلیخا و یوسف (۶۹۵ و ۶۹۶ و ۵۸۸ و ۳۴۳)، محمود و ایاز (۱۰۵)، تلمیحات غیراسلامی و تاریخی: (۳۶ مورد): منصور (۶۰ و ۸۰ و ۶۹۹ و ۵۳۳ و ۵۶۲ و ۶۱۱ و ۳۴۴ و ۸۴)، مانی (۱۲۱ و ۳۷۷ و ۴۵۷ و ۳۴۰ و ۴۷۳)، چنگیزخان (۶۶۹ و ۶۱۸ و ۶۷۷)، اسکندر (۹۷ و ۶۱۹ و ۶۶۹)، تیمور (۶۶۹ و ۶۷۷)، / محمود

(۲۰۶)، یزدگرد (۵۰)، دارا (۶۱۸)، گنج بادآور (۳۸)، باربد (۴۱ و ۶۱۶)، قارون (۵۲)، دلدل (۶۲)، سنکا (۱۵۵)، بودا (۲۳۴)، بهزاد (۳۷۷)، نکیسا (۴۱۷)، سینا (۴۵۷)، صنعان (۵۹۸)، / تلمیح به شخصیت‌های دینی: (۸ مورد): مریم (۱۱۷ و ۴۶۹) عیسی (۵۵۷ و ۴۳۱ و ۱۱۷)، قابیل و هابیل (۳۵۹ و ۶۶۱)، خضر (۶۲۶).

نوع تلمیح	احادیث و قرآن	اساطیری	غیراسلامی و تاریخی	پیامبران	غنایی	سایر شخصیت‌های دینی
تعداد	-	۳۲	۳۶	۴	۵	۸

### سطح فکری

کندوکاو در سطح فکری اثر راحت‌تر می‌تواند سبک‌شناس را به تعیین سبک دوره و حتی سبک شخصی برساند و برای درک و دریافت اندیشه حاکم بر اثر، دقت در جزئیات بستگی به متن دارد (کلیات سبک‌شناسی، شمیسا: ص ۲۲۲).

مضامین زمان مشروطه مانند وطن، مادر، زمین و نهایتاً تعداد کمی از مضامین سیاسی-اجتماعی مثل آبادانی مناطق کشور و استقلال آن و یا وصف رودخانه‌ها و کوه‌های معروف تاجیکستان را از مضامین عمده شعر معاصر تاجیک میدانند (تأثیر شعر معاصر ایران بر شعر تاجیکستان، شریف‌زاده مود: ص ۱۵۱).

موضوعات	عشق	مقام زن	وطن	اندوه	تنهایی	مرگ	شکوائیه	نوستالژی	تقدیرگرایی
درصد	۳۹٪	۱۴٪	۱۳٪	۱۳٪	۹٪	۴٪	۳٪	۲٪	۲٪

**عشق:** یکی از پر بسامدترین مؤلفه‌های فکری در اشعار گلرخسار، عشق است، اما به دو نوع کلی عاشقانه‌های پیش از استقلال تاجیکستان (و بر مبنای مکتب رئالیسم سوسیالیستی)، و عاشقانه‌های پس از استقلال (بر مبنای مکتب رمانتیسم فردی) تقسیم می‌شود که نوع دوم بسامد بسیار بیشتری (۹۸٪) دارد. در نوع اول، سخن از عشق و معشوق، مورد تأیید حزب سوسیالیسم است و رنگ‌وبوی سیاسی دارد. «معمولاً معشوق در شعر معاصر تاجیکستان در دوره تسلط شوروی - که به آن ادبیات شوروی تاجیک یا مکتب رئالیسم سوسیالیستی گویند-بویژه تا قبل از مرگ استالین و آغاز دوره خروشچف (۱۹۵۳ م) معشوقی است مورد تأیید حزب حاکم. یعنی در دلش مهر لنینی جایگیر است، به عنصر صنعت و کار، که از اصول سوسیالیسم بشمار میرود، اهمیت میدهد و بدون توجه به پوشش‌های سنتی و مذهبی در جامعه حضور فعالی دارد. زنی که اغلب از سوی شاعر این دوره مورد ستایش عاشقانه قرار می‌گیرد، زنی سنتی بشمار نمیرود، بلکه او معشوقی حزبی است و عشق به او کاملاً رنگ‌وبوی سیاسی-اجتماعی دارد. حتی میتوان گفت بسیاری از عاشقانه‌های این دوره تنها بهانه‌ای است برای بیان افکار و اندیشه‌های سیاسی» (عاشقانه‌های سیاسی - اجتماعی در شعر معاصر تاجیکستان، علی‌اکبرزاده: ص ۱۹۳).

«زمین لاجوردی میتپد از عشق / ولیکن / در قفس روزگار سرخ خویش / ای وای / دیگ سیاه میشویم / شعر سفید میگویم» (۶۱۳).

در نوع دوم عاشقانه‌های گلرخسار، که مطابق با مکتب رمانتیسم و پس از استقلال تاجیکستان سروده شده‌اند، عشق خارج از دید سیاسی و با نگرشی تقدس‌گونه بیان میشود، همچنانکه «در رمانتیسم فردی، کلمه کلیدی عشق

است: عشق زمینی و غریزی که در هاله‌ای غلیظ از احساسات فوق رقیق و البته وسوسه‌انگیز فرورفته است» (مکتبهای ادبی، سیدحسینی: ص ۲۳۰). در این نوع عاشقانه‌ها، گلرخسار عشق را «پیام قدسی» (۶۱) و «الهام الهی» (۱۲۰) میدانند و آن را «دین خود» (۶۸۷) «اولین مذهب و دین» (۴۸۹) و «مذهب بی‌مذهبان» (۱۷۹) معرفی میکند. او عشق را «هستی»، «مستی» و «پیغام» میدانند (۱۶۱) که بدون آن «دنیا همه غمخانه است» (۲۷۵). در نظر او سخن از هر موضوعی غیر از عشق تکراری است: از عشق بگو که بجز این حرف کهن/ حرف همه مردم جهان تکرار است (۴۱۰).

نکته بسیار مهم، نوع نگاه گلرخسار به مردان است، که با موضوع عشق در تضاد قرار میگیرد. او از طرفی از عشق خود سخن میگوید و عاشق خود را بهترین مرد در عالم میدانند: «بهترین مرد عاشق من بود / بهترین مرد عاشق من هست» (۱۹۷)، اما از طرف دیگر دید مثبتی به جنس مردانه ندارد؛ زیرا «او مسحور حجب و حیای زنانه است و مسائل زنان در سطح دیگری برایش قابل طرحند. نگاه به مرد در سراسر اشعار او بسیار محتاطانه است. از یک سو زندگی را بدون معشوق بی‌ارزش میدانند از سوی دیگر انزجار و نفرتش را هم از مردان پنهان نمیکند و مرد را با اوصافی چون نامرد، سرد و حتی پست مورد لعن قرار میدهد» (زنگوله زنان گذشت باران، قدیانی و بهروز: ص ۷۸). به یاد گلشن پژمرده زن / به یاد معبد افسرده زن / ز سنگ مردها افکنده سویم / برای خویش هیکل میگذارم (۱۵۹). سر گهواره طفل تو ای مرد / زن تو شعر پردردم نخواند / زنی که تکیه‌گاهی چون تو دارد / غم و درد زنی تنها نداند (۲۲۹). تو با من نیستی و عالمی پر / ز تو ای مرد بی‌پروای آزاد (۲۵۵).

**توجه به زنان و بیان مشکلات آنان:** آنچه در اشعار گلرخسار برجستگی خاصی دارد، مقام والای زن در کنار بیان مشکلات زنان و نوع نگاه و زبان خاصی است که وی به زنان جامعه خویش دارد: «این خانه گرم و روشن است از عشق زن، از سحر زن / بگذار روشنتر شود از آفتاب مهر زن» (۱۸۲).

او نگاهی خاصی به زنان جامعه خویش دارد. گلرخسار سعی دارد موقعیت دردآلود زن در جامعه‌ای مردسالار و تنهاییها و سختیهای بی‌شمار و لاعلاج وی را، که از نظر شاعر تقدیر زنان جامعه وی محسوب میشود، توصیف کند. «شعر نجات او که یکی از بهترین شعرهای تمام دوره شاعری اوست، یکی از منسجمترین و خوش‌ساختترین اشعار اوست که به مسئله زنان پرداخته است» (زنگوله زنان گذشت باران، قدیانی و بهروز: ص ۷۹). گلرخسار بازگوکننده شرایط و دشواریهای موجود بر سر راه زنان میهنش است. او زنان جامعه خویش را دچار ظلم و بيمه‌ری و ببعبدالتی میدانند و منعکس‌کننده صدای مظلومیت آنهاست و بخشی از ناله‌های دردآلود موجود در اشعارش برگرفته از بیان همین مشکلات است. او بیان‌کننده واقعیتها و دردهای جامعه خویش است و از مشکلات، خصوصاً کار زنان در مزارع پنبه سخن گفته است: «پنبه مهر به پای همگان میکارم» (۷۶).

زن در اشعار او با وجود تحمل رنج و سختی و وفاداری، با مظلومیت زندگی میکند و آماج تیرهای تقدیر قرار گرفته است: «دختر زاینده‌رودم، درد پاکی میکشم» (۳۲)، «حیف من، حیف همه زنها با من گمشده» (۵۷)، «از گلشن پژمرده، پری گریان رفت / افسانه سبز عشق زن آخر شد» (۱۰۴) «آسمان دل، زور عاقل را به جاهل داده است / چاره بیچارگی زن بود مردانگی» (۱۲۰)، «غرور من به صد نامرد کافی است» (۲۶۵)، «بگویی جنس زن از مرد بیش است» (۲۹۵)، «به صبر مردافکن زنانه‌ام / تو را دوباره جادو میکنم» (۳۳۶).

همچنین گلرخسار توجه خاصی به مقام مادر دارد. مادر در اشعار او بعلت جنایت سلطه‌گران، داغدار فرزندان خویش است: «مادرم مرا با درد / پیش از خطا زاده / مادرت تو را ای مرد / خوشترین بلا زاده» (۲۸۰)؛ «خسته‌ام با مادری که بچه‌اش را کشته‌اند / در دم دروازه / در آسوده‌حالی» (۶۷۰).

**وطن دوستی:** از موضوعات موردعلاقه شعرا و ادبای تاجیک، علاقه به ایران و ایران‌زمین است و بر همین اساس ایران را خانه دوم مردم تاجیک میدانند (تاجیکستان در مسیر تاریخ، شکورزاده: ص ۳۷). پژوهشگران مفهوم وطن را در اشعار تاجیکستان با توجه به ادوار تاریخی این کشور مورد بررسی قرار داده‌اند و معتقدند مفهوم وطن در دوره تسلط شوروی سابق یا «دوره شوراهای»، تحت تأثیر مکتب رئالیسم سوسیالیستی و در چهارچوب حزب کمونیست «بار ایدئولوژیکی به خود گرفته» و منظور از آن «جهان‌وطنی سوسیالیستی»، «وطن یکپارچه»، «وطن شورایی»، «وطن بزرگ»، «سرزمین بزرگ شوراهای» یا «اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی» است. اما پس از فروپاشی شوروی (۱۹۹۱ م) و از بین رفتن سانسورهای حکومتی، مفهوم وطن اندک‌اندک دارای مفاهیم گسترده‌تری میشود. مفاهیمی چون ستایش تاجیکستان مستقل، علاقه و دلبستگی به شهرهای تاجیکستان، علاقه و دلبستگی به شهرهای تاجیک‌نشین که در زمان شوروی برای جداسازی تاجیکان از هویت ملی و باستانی خود به اجبار از تاجیکستان جدا شدند (بخارا و سمرقند)، ستایش وطن همراه با اندوه و تأسف که ناشی از سرخوردگیهای سیاسی-اجتماعی است و نیز انتقاد از سرگذشت تاریخی تاجیکان «تحول مفهوم وطن در ادب معاصر تاجیک خدایار: ص ۳۵؛ تحول مضمون عشق به وطن در شعر معاصر تاجیکستان، محمدی بدر و دیگران: ص ۳۷۹».

از آنجاکه اغلب اشعار گلرخسار در مکتب رمانتیسم سروده شده است، مفهوم وطن در دیوان او بسامد گسترده‌ای دارد. میهن‌دوستی و رمانتیسم پیوند عمیقی با هم دارند؛ بگونه‌ای که میتوان در بستر رمانتیسم، دغدغه‌های اجتماعی و وطنی شاعران و نویسندگان را در قالب هنر و احساس بهتر بتماشا نشست. بچکا نیز دو ویژگی اصلی در اشعار گلرخسار را «عفت دخترانه» و «فروغ میهن‌پرستانه» معرفی میکند (ادبیات فارسی در تاجیکستان، بچکا: ص ۲۱۶). بر همین اساس گلرخسار در برخی اشعارش به ذکر و ستایش ایران پرداخته است و ایران را نیمه گمشده وطنش میدانند. بعلاوه، مفهوم وطن در اشعار گلرخسار، با بررسیهای فوق (تأثیر ادوار تاریخی در مفهوم وطن) مطابقت دارد. گلرخسار «سه مفهوم متفاوت و درعینحال درهم‌تنیده از وطن در دستگاه اندیشگانی خود دارد:

الف- وطن جغرافیایی: در مفهوم وطن جغرافیایی منظور از وطن، وطن خرد یا جزئی جدانشدنی از جهان‌وطنی سوسیالیستی در قالب اتحاد جماهیر شوروی بود که وطن بزرگ نامیده میشود. در همین نگرش مفهوم وطن در کنار مادر تا جایگاه خدا، ارتقا یافت و بل به جای او نشست و در آثار اغلب شاعران شوروی تاجیک، مشهود است: «تهمینه ما مادر ایران دگر نیست» (۱۲۲). «بی زبان مادری، بی میهنم/ بی زبان مادری، بی کشورم/ بی زبان مادری، بی ملت/ بی زبان مادری، بی مادرم!» (۱۵۳). «ای دختر زمین! ای مادر جهان» (۱۸۷). «خوش‌روز مادرم، دل‌سوز مادرم / گنج یگانه‌ام، خورشید خاورم» (۱۸۷). «بار خدا بودم وطن! / در چنگ دشمنت/ از تو جدا بودم وطن! / اما نه از غمت (۶۸۸)».

ب- وطن تاریخی: در این مفهوم، شاعر به تاریخ پیدایش قوم خود مراجعه کرده و مفهوم گسترده‌ای را که فرهنگ شورایی از آن گرفته بود، به وطن خود بازمیگرداند. اشعاری که در آنها از گذشته مردم تاجیک و فرهنگ و زبان مادری و پیوند با ایران سخن بمیان می‌آید. شاعر در برخی از این شعرها به مدد حافظه تاریخی به جستجوی هویت گمشده خود برمیخیزد. آن دسته از شعرهای میهنی هم که در ستایش و تعریف از تاجیکستان یا ایران سروده شده نیز زیرمجموعه همین گروه موضوعی است: «یاس میهن‌بوی را فصل جزا در باغ کشت/ دست میهن‌گوی را در آستین گم کرده‌ام» (۵۱). «عشق من پشت در بیگانه مینالد خموش / بی من در چشم غم‌آلود میهن گم شده» (۵۸). «ای میهن سبز مهر! / ای شهرگ نبض شعرا! / ای دور به جان نزدیک! / ای نور دل و دیده! / ای هر ورق سنگت، شعری است اهورایی/ از هر وجب خاکت، یک نابغه روئیده/ ایران عزیز من، ای جان عزیز من!» (۳۴۴).

گلرخسار در در این مفهوم، گذشته کشورش و زمان شوراها را به تمسخر گرفته و خود را نه اهل حزب سوسیالیستی که معتقد به وطن بزرگ باشد، بلکه خود را اهل حزب گل یاس معرفی میکند: «حزب من بی‌حزب، تو هستی میهن» (۴۱۰)، «منی که از تبار زنبور عسلم... آری من عضو سرسپرده حزب گل یاسم... عضو حزب بی‌ریا و سیاست» (۴۵۲).

همچنین در مفهوم وطن تاریخی، شاعر آزادانه به نام کشورش تاجیکستان اشاره میکند: «تاجیکستان سر هر سنگ تو بر من وطن است... کوهساران تو از نقره و طلاست بلند... وطنم ای وطن میدان مردان کلان» (۲۷۴)، «هان! دزدان حقیر خاک تاجیک! هان! از دیار من نمانده/ جز غم و اندوه حسرت.../ سنگهای تاجیکستان را/ برای من گذارید/ در سر گور حقیرم/ مادر دیگر نمیخواهم» (۵۱۷).

مظلومیت وطن در سراسر دیوان وی بتصویر کشیده شده است اما سخن او در مورد وطن همراه با نوعی غرور است؛ او از درد و رنج مردم و ملت خویش صحبت میکند اما سخنش نوعی صلابت و استواری در خود دارد: «ای وطن/ والاترین، زیباترین عشق من فانی» (۵۶۲)، «این وطن/ این لنگر کشتی طوفانها / مرکز تجربه اهریمنان بودست» (۶۶۶).

ج- وطن فرهنگی: در این مفهوم که تنها در اشعار گلرخسار دیده میشود، با تکیه بر شاهنامه به تلقی جدیدی از وطن میرسیم. در این تلقی که ارتباط وثیقی با وطن تاریخی دارد، تمام فارسی‌زبانان در جایی به نام شاهنامه، جا میگیرند و هم‌وطن میشوند. از نظر شاعر، مرزهای تصنعی ایجادشده در سده‌های اخیر، معیار درستی برای تعیین حدود وطن نیست و نمیتواند باشد؛ بنابراین باید بدنبال وطنی رفت که نتوان با ابزار معمول -مرز، گذرنامه، ملیت و زبان جدید- شهروندان آن را از هم جدا کرد؛ از همین روی وی با تأویل «شاهنامه به وطن» این سرزمین را می‌آفریند تا همه شهروندان فارسی‌زبان جهان از هر نوع وابستگی گذرنامه‌ای به یکی از کشورهای دنیا بتوانند به این «وطن نامیرا» وارد شوند و در آغوش این «مام مهربان» آرام گیرند. «شاهنامه وطن است / وطن بی‌مرگی.../ آری، آری، شاهنامه وطن است/ وطنی کز من و تو / نتوانند به شمشیر و به تزویر ربودن» (۴۶۳).

**یادکرد نام شاعران و بزرگان و اماکن ایران:** گلرخسار عشقی شورانگیز به ایران و ادب فارسی دارد و به شاعران ایران همچون رودکی و فردوسی و خیام و حافظ و سعدی ارادت می‌ورزد. «باوجود اینکه تأثیرپذیری زیاد گلرخسار از شاعران روس، غیرقابل انکار است، او حافظ و بیدل را استادان درجه اول خود میدانند» (شعر تاجیکستان، عجمی: ص ۶۴). درحقیقت میتوان گفت این مفهوم با مضمون عشق به وطن در اشعار گلرخسار درهم تنیده شده است. او نام وطن و نیاکان (خصوصاً شاعران) وطن را عموماً در کنار هم می‌آورد: «خیام تو افشا کرد اسرار محبت را» (۳۴۴)، «پیش از تو به خراسان تو عاشق بودم» (۳۴۸)، «یاد کردم حافظ و شه‌نامه‌خوانیهای تو» (۳۷۷).

در بیان علت این یادکرد در اشعار گلرخسار - و دیگر شاعران تاجیک - باید گفت شاعران و ادیبان تاجیکستان در سالهای جدایی تاجیکستان از ایران، دو وظیفه مهم داشتند: یکی زنده نگه داشتن نام و یاد و آثار کسانی چون فردوسی، حافظ، مولوی و بیدل، و دیگر سرودن اشعاری که نبض زبان فارسی را در سرزمین زنده و پویا دارد. بهمین دلیل است که امروز یکی از بهترین سرفصلهای اندیشه شاعران تاجیکستان، ستایش ایران و نکوداشت فردوسی و مولوی و دیگر شاعران فارسی‌زبان است.

**درون‌گرایی:** بیشتر اشعار گلرخسار بر پایه مکتب رمانتیسم سروده شده و مهمترین شاخصه این مکتب درون‌گرایی است. «درون‌گرایی و ذهنیت‌گرایی در هنر رمانتیک، یک ویژگی بنیادین و سبکی آن محسوب میشود» (سیر رمانتیسم در اروپا، جعفری: ص ۲۷۹). سیدحسینی نیز ویژگیهای این مکتب را در موارد ذیل برشمرده است:

«تأکید شعر بر فردیت، اهمیت تخیل و تأکید بر بُعد شهودی و توجه به دریافت درونی شاعر از پدیده‌ها، بیان کشف و شهود شاعر بوسیله تصاویر و در نتیجه اهمیت یافتن صور خیال، تفوق و اقتدار تخیل خلاق، کاربرد رمزی و سمبلیک صورخیال، اهمیت احساس و هیجان به جای خرد در کار شاعری و البته تا حد امکان در قلمور اخلاق، دست یافتن به نوعی آزادی از قیود سنتی، نرمش، انعطاف، شور و هیجان، علاقه به شعری شبیه به نثر که از لحاظ آهنگ و مضمون و تصاویر متنوع است» (مکتبهای ادبی، سیدحسینی: ص ۸۰). اشعار گلرخسار نیز بر پایه همین مکتب، دارای برخی مشخصه‌های فوق خصوصاً درونگرایی است که شامل سه مضمون عمده غم و اندوه، تنهایی و مرگ میشود:

غم و اندوه: درونمایه بیشتر اشعار تاجیکی، غم و اندوه است که بیانگر سختی‌هایی است که مردم این سرزمین در طول تاریخ مخصوصاً در قرون اخیر کشیده‌اند. از این جهت شعرشان سوزناک است و دردآلود. غم و اندوه در اشعار گلرخسار نمود بسیاری دارد، و حتی در اشعاری که اوزانی شاد دارند نیز دیده میشود، بگونه‌ای که شعر دوست دیوان وی را «ترانه حزن» مینامد. اگرچه شعر دوست رنج و غم موجود در دیوان وی را ناشی از روحیه تراژیک دردآلود شاعر میدانند که «شادترین لحظه‌های شعریش را به رنگ غم درآورده است و معتقد است وی «به جای شعر اعتراض، بیشتر به اندوه سروده‌هایش پناه میبرد و شاید این بازتاب عاطفی - بجای واکنش سیاسی - ریشه در اصل «زن بودن» داشته باشد (تأثیر شعر ایران بر شعر معاصر تاجیکستان، شعر دوست: ص ۱۱۹). این امر معلول عوامل مختلفی مانند آرزوهای سرکوب‌شده، تبعیض و نبود عدالت اجتماعی، نادانی و جهل مردم، وضعیت زنان جامعه و دوری از وطن (ایران) و دودمان ایرانی است: «من آن گلم که در خزان خود شکفته‌ام» (۶۵) «دیگر نه یار دارم و نه عزت دیار / از عشق خوار و زاریم شعر جگر شنو» (۹۰). «ملت من! ملت باران... ملت من! ملت خاکی! مهربان درد، هم‌زبان درد» (۴۷۵)، «در جهان، بی یار، تنها زیستن / زندگانی نیست / اما مرگ نیست / با کس ناآشنایی زیستن / خودفریبی / روسپاهی / خودکشی است» (۶۳۰).

دل‌تنگی شاعر از تنهایی: علاوه بر وجود این لغت در نامهای اشعار و ساخت ترکیبات فراوان با آن (تنهایی تنهای من (۵۲) و...، گلرخسار در موارد فراوان از تنهایی گله کرده است. او خود را نه «مادر ملت» بلکه «مادر تنهایی» مینامد: «مادر ملت نیم من، مادر تنهاییم» (۸۷). او حتی علت پرداختن به شاعری را نیز زدودن تنهایی میدانند: «من از آن با ساز دیگرها غزل خوانی کنم که غم تنهایی خود را شوم فریادرس» (۲۱۷).

مواردی دیگر: «من سر تنهایی خود را / این زمستان / در کجای عالم غربت کنم پنهان» (۴۸۵)، «من همان تنهاییم / که ز غم شادی تنهایی خود / به جهان نامده / گوش همه را کردم کر» (۵۳۵).

در اشعار گلرخسار علاوه بر درد و رنج و گریه و مویه، شاهد موضوع مرگ نیز هستیم. او زندگی را در رنج و سختی میبیند، بنابراین آرزوی مرگ دارد: «ای بهار بی لایق! راز مرگ افشا کن... عمر و لحظه یکسان است در ردیف بی‌مرگی» (۳۴۰). او از این که یک بار به دنیا آمده، اما مجبور به تحمل سختی‌های فراوان است، که در نظر او مساوی با مرگ صدمه‌بار است، ناراضی است: «به دنیا آدمم یک بار ای دل چرا خواهی که من صدمه‌بارم» (۳۰۴). علل پرداختن به موضوع مرگ در اشعار گلرخسار را میتوان در عواملی چون تنهایی و اندوه شاعر، زندگی سخت زنان و دوری از وطن دانست: «من در محیط مرده‌پرور / زندگی را زنده میدارم» (۵۴۱)، «مادر زندگی / زاییده مرگ است» (۶۲۱)، «زندگانی نیز مرگ است / گر زبان بی‌زبانی خموشان و خموشی‌ست» (۶۷۶).

نوستالژی: یکی از ویژگیهای اصلی مکتب رمانتیسزم بازسازی خاطرات گذشته است. اما مفهوم نوستالژی در دیوان گلرخسار، تنها در شکل «عشق به وطن با اندوهی غریبانه» دیده میشود. طبیعی است که این مفهوم نیز پس از

استقلال تاجیکستان و «کمرنگ شدن نفوذ مکتب ادبی رئالیسم سوسیالیستی و با ایجاد برخی آزادیهای سیاسی» در اشعار گلرخسار و دیگر شاعران تاجیک وارد شده است. اغلب شاعران معاصر تاجیک «با یاد آوردن گذشته ارزشمند خویش در روزگار خراسان بزرگ و برای آنچه در این مدت جدایی از دست داده‌اند، حسرت می‌خورند و گله و شکایت از سرنوشت خویش دارند (دریغ‌یاد (نوستالژی) در شعر چهار شاعر معاصر تاجیک نفیسی و دیگران: ص ۲۰۵). شکوری بخارایی نیز این حسرت دردآلود را «نتیجه مستقیم سرکوب سیاست دوران شوراهای، بویژه حاکمیت سخت و خشن رئالیسم سوسیالیستی استالینی» میداند که «تاریخ و فرهنگ ملت‌های بومی ساکن در جمهوریهای شوروی را بعد به فراموشی می‌سپرد و با ساختن دوگانه «وطن خرد (تاجیکستان)/ وطن بزرگ (شوروی)» شاعران و ادیبان را به ستایش شوروی و آن وطن رؤیایی سوق میداد و از وطن و فرهنگ گذشته خود بیزار میکرد» (پاره ای از تاریخ، شکوری بخارایی: ص ۲۲). در این دوره است که شاعر تاجیک زبان به گلایه‌های اجتماعی گشود و با افسوس از مصائب اجتماعی سرزمین خود سخن راند و ضمن اظهار شیفتگی به تاجیکستان، شهرها، روستاها و جای جای دیار خود، دردهای مردمان را نیز بتصویر کشید. گویی بیان غریبانه (نوستالژیک) و پرانده او، حکایت از رنج مردمانی داشت که از بهبود شرایط سرزمین خویش، ناامید گشته‌اند. اما سیر روح گلرخسار در میان خاطرات وطن و دوری از آن، در اکثر موارد منجر به غم و اندوه شده است. به عبارت دیگر، جدای مضمون اندوه و غم، که در اکثر اشعار وی دیده میشود، یادکرد شاعر از وطن نیز با غمی جانکاه همراه است: «مزرع اندوه خود را/ کشت منما... کشت منما/ که در عالم، تخم غم، ارزانی خواهد شد/ گرچه دیروز تو را / با نسل خودسوز تو کشتند/ نور احیای تو را / در دیده آینده میبینم» (۴۷۶).

**شکوائیه:** موضوع شکوائیه و اعتراض نیز بسامد قابل توجهی در اشعار گلرخسار دارد. تبعیض و نابرابریهای اجتماعی، جهل و نادانی مردم و سرنوشت زنان در جامعه خویش سه عاملی هستند که باعث ایجاد این مضمون در اشعار وی شده است. او از ظلم، تبعیض، نبود عدالت اجتماعی و نابرابریهای اجتماعی اینگونه شکوه سرمیدهد: «بیچاره دلم جدا ز جان میگرید / از زخم زمانه بینشان میگرید» (۱۲۸). «مرغکان بگذار عمری در قفس نالند / جوجه آزاد را آزادی خواهد کشت» (۲۱۰).

همچنین سرنوشت اجتماعی زن تاجیک که هم در نظام کمونیستی و هم پس از استقلال تاجیکستان، کارهای سخت و دشواری مانند چیدن پنبه و رفتگری خیابانها به دوش اوست، باعث اعتراض وی شده است: «بر زمین خاطره/ سرب پنبه میکارند» (۵۰۵). این زن این نالنده درد هزاران... خضر پاکی را همی خواهد/ عشق‌ورزی زمین و آسمان را خواستار است/ این زن، این بانوی گل‌دوز المها/ بیهنرها را ندارد چشم دیدن/ این زن، این جمعیت تنهای تنها» (۶۲۶-۶۲۷).

اما علت اصلی و پربسامدترین عامل شکوائیه در دیوان گلرخسار جهل و نادانی مردم است. او از جهل و نادانی مردم شکوه سرمیدهد و ریشه همه گرفتاریها و بدبختیهای ملتش را در گرو جهل میبیند: «فضل، بی‌زبان آمد؛ جهل، کامران آمد/ دور فاضلان بگذشت، دور جاهلان آمد» (۸۲)، «در این دنیا ز نامردان جاهل/ زنی را مخزنی را پاسبان شو» (۲۱۸). در واقع فقر فرهنگی موجود در جامعه تاجیکستان باعث شده گلرخسار در اشعارش به جهل‌ستیزی بپردازد.

**تقدیرگرایی:** بسامد کلماتی مانند بخت، قسمت، قضا و قدر و تقدیر در اشعار گلرخسار بالاست و همین امر موضوع اعتقاد وی به تقدیر و سرنوشت را تأیید میکند. «گلرخسار جبرگراست و به بخت و اقبالش که تیره است بارها در شعرهایش اشاره کرده است» (زنگوله زنان گذشت باران، قدیانی و بهروز: ص ۷۹). شاید بتوان گفت او با افکندن



نامرادیها، شکستها و سختیهای موجود در کشورش به گردن تقدیر، خود را تسکین میدهد: «بر سر ننگ و عار من بشکست/ سنگ تقدیر با همه سختی» (۱۹۸). «خدایا! تا کجا تقدیر باز/ با سر بی‌سرور تاجیک؟» (۵۲۰).  
**عرفان:** اشعار گلرخسار گاهی رنگ‌وبوی عرفانی میگیرد و پرتکرارترین مضمون عرفانی در اشعار وی، رهایی از منیت است: «از خود خود بیش ز هر دیو هراسانم» (۳۵۰)، «خسته‌ام از خودنمایی خسته‌ام» (۳۵۶).

### نتیجه‌گیری

در سطح زبانی، دو بحر رمل و هزج بیشترین بسامد را دارا هستند و سکنه‌های وزنی بنحو بارزی بچشم میخورد. کهن‌گرایی موجود در کاربرد لغات اشعار گلرخسار علاوه بر طبیعت زبان تاجیکستان، نوعی پایبندی به اصالت زبان دری و شعر گذشته ایران است. تکرار در اشکال مختلف آن نیز برجستگی خاصی در اشعار وی دارد. در سطح ادبی تشخیص و تناقض از برجسته‌ترین ویژگیها در اشعار وی محسوب میشود. وطن و موضوعات مربوط به آن مانند سرزمین مادری، زبان مادری، تاریخ ملی، و فرهنگ بومی از مهمترین مؤلفه‌های فکری مربوط به وطن در اشعار گلرخسار است. در نظر گلرخسار، وطن تنها شامل محدوده جغرافیایی نمیشود بلکه مفهوم وطن در نظر او بسیار وسیعتر است و شامل جغرافیای فکری و فرهنگی نیز میشود؛ بهمین دلیل شاهنامه را وطن میخواند. او در اشعارش گاه به مفاخره‌های حماسی، که اغلب از پهلوانان شاهنامه انتخاب شده‌اند، میپردازد و احساسات ملی‌گرایانه بروز میدهد. مضمون نوستالژی در اشعار گلرخسار، تنها در شکل یاد وطن که پس از استقلال تاجیکستان و ایجاد آزادیهای سیاسی ناشی از کمرنگ شدن نفوذ مکتب رئالیسم سوسیالیستی حاصل شده است، دیده میشود. غم و درد از بنمایه‌های اشعار گلرخسار است. بخشی از این حزن بدلیل وطن و ملتی است که از اصل و تاریخ و فرهنگ خود جدا شده و بخش دیگر مربوط به وضعیت فعلی مردم خصوصاً زنان جامعه و نبود عدالت است. مقام زن در اشعار گلرخسار والاست و سعی دارد واقعیات و دردها و مشکلات زنان جامعه خویش را معرفی کند.

### مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیروان استخراج شده است. آقای دکتر محمدعلی شریفیان راهنمایی این رساله را بر عهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم خدیجه صاحبکار فرخانی به عنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. سرکار خانم دکتر شبنم شفیعی مقدم به عنوان مشاور نیز در تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنماییهای تخصصی این پژوهش نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله، حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر است.

### تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیروان و هیئت داوران رساله که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

### تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده می‌گیرند.

### REFERENCES

- Ajami, Rostam. (2008) Tajik Poetry, Golrokhsar Safiava, *Literature Charter*, No. 57, p. 64
- Akbari Beyragh, Hassan and Asadian, Maryam. (2014). A Comparative Study of the Application of Myth and Archetype in the Poetry of Forough Farrokhzad and Golrokhsar Safiava, *Bi-Quarterly Journal of Comparative Literature Research*, Volume 2, Number 1 (3), pp. 161-192.
- Ali Abbasabad, Yousef. (2012). The flow of contemporary poetry, Tehran: Sokhan.
- AliAkbarzadeh, Marjan. (2013). Political-social romances in contemporary Tajik poetry; *Journal of Lyrical Literature*, Sistan and Baluchestan University, 11 (20), pp. 181-196.
- Anousheh, Hassan. (1996). Encyclopedia of Persian Language and Literature: Persian Literature in Central Asia, Volume 1; Tehran: Printing and Publishing Organization of the Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Bachka, Yerji. (1993). Persian Literature in Tajikistan, translated by Sa'eed Abanezhad Hejrandoost and Mahmoud Ebadian, Tehran: Center for International Cultural Studies and Research Bund.
- Firooz, Bahram. (1987). The days we were waiting for; Industry Literature, *Journal of the Writers' Union of Tajikistan*, No. 4.
- Ghadyani, Mehrdad and Behrooz, Zabihullah. (2011). The Ring of Women Passed the Rain: A Journey in Contemporary Tajik Poetry, Tehran: Armanshahr.
- Ghazve, Alireza. (1997). The Lost Suns, Excerpts from Today's Tajik Poetry, Tehran: Institute of Islamic Culture and Art.
- Ghazve, Alireza. (1998a). An Introduction to Today's Tajik Poetry, *Poetry Magazine*, No. 23, pp. 90-99.
- Ghazve, Alireza. (1998b). Generations and Currents of Poetry in Contemporary Tajik Poetry, *Poetry Magazine*, No. 22, pp. 64-67.
- Ja'fari, Massoud. (1999). The course of romanticism in Europe, Tehran: Markaz.
- Kalbasi, Iran. (1995). Persian Iran and Tajikistan, Tehran: Office of Political Studies, Ministry of Foreign Affairs.
- Khodayar, Ibrahim. (2018). The period of contemporary Tajik poetry, from the Enlightenment to independence; *Literary Criticism and Theory*, 3(1), pp. 21-45.
- Khodayar, Ibrahim. (2019 c). Analysis and Formulation of Persian National Identity. Languages in the Thought and Poetry of Golrokhsar Safiava, *National Studies Quarterly*, 20 (4); pp.73.92.
- Khodayar, Ibrahim. (2019a). Analysis of the nostalgia of the homeland in the poetic heritage of the Tajik lady; Golrokhsar Safiyava; *Journal of Poetry Studies* (Bustan Adab) Shiraz University, 11 (4), pp. 47-70.

- Khodayar, Ibrahim. (2019b). The evolution of the concept of homeland in contemporary Tajik literature: from education to independence and national self-awareness; *Literary Research Textbook*, 23 (82), pp. 35-60.
- Modarreszadeh, Abdolreza. (2012). A look at the style of poetry in Tajikistan today; *Literary Criticism and Stylistics Research*, No. 1, 9 in a row, pp.181-201.
- Mohammadi Badr, Narges; Yazdani, Hossein and Ali Akbarzadeh, Marjan. (2019). The Evolution of the Theme of Patriotism in Contemporary Tajik Poetry, *Bahar Adab*, 12 (3), pp. 379-397.
- Mousavi Garmaroodi, Seyed Ali. (2009). From Stem to Sadr, Life and Poetry of Tajik Poets in the 20th Century, Tehran: Ghadyani.
- Nafisi, Forough; Ismaili, Hossein and Ebrahimizad, Roghayeh. (2021). nostalgia in the poetry of four contemporary Tajik poets; *Scientific Quarterly of Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts (Dehkhoda)*, 13 (74), pp. 205-228.
- Nafisi, Gholam Abbas. (2012). A Study of Educational and Lyrical Poems in the Works of Contemporary Tajik Poets, *Quarterly Journal of Educational and Lyrical Research in Persian Language and Literature*, No. 12, pp. 123-136.
- Safiava, Golrokhsar. (1994). A collection of Golkhar Safiava poems, by Mirza Shakurzadeh, Tehran: Al-Huda.
- Safiava, Golrokhsar. (2016). Collection of poems, with introduction by Simin Behbahani, Tehran: Negah.
- Seyyed Hosseini, Reza. (1997). *Literary Schools*, Tehran: Negah.
- Sh'erdust, Ali Asghar. (1996) Image Evolution in Contemporary Tajik Poetry, *Journal of Humanities, Iran Shenakht*, No. 3, pp. 146-149.
- Sh'erdust, Ali Asghar. (1997). The Impact of Iranian Poetry on Contemporary Tajik Poetry, *Iran Shenakht*, No. 4, pp. 31-54.
- Sh'erdust, Ali Asghar. (2010). The Perspective of Contemporary Tajik Poetry, Tehran: Al-Huda.
- Shafi'pur Foumani, Mohammad Ismail and Vafaei, Abbas Ali. (2016). Critique of Innovation in Contemporary Tajik Poetry; *Bahar Adab*, 13 (2), pp. 209-228.
- Sharifi, Hedyeh. (2011). Biography in Socrates, Golrokhsar, Tehran: Ettela'at.
- Sharifzadeh Maud, Mitra. (2015). The Impact of Contemporary Iranian Poetry on Tajik Poetry, *Journal of Comparative Literature*, 7 (13), pp. 149-173.
- Shakurzadeh, Mirza. (2006). Tajikistan on the path of history, Tehran: Al-Huda.
- Shokuri Bukharaei, Mohammadjan. (2006). A Part of History; Tajikistan on the path of history. Shamisa, Sirus. (2005). Generalities of Stylistics, Tehran: Mitra.
- Tursunov, Akbar. (1991). Historical Appreciation of the Culture of Divided Nations, *Journal of the Academy of Sciences of the Republic of Tajikistan*, No. 3, pp. 15-22.

### فهرست منابع فارسی

- ادبیات فارسی در تاجیکستان، بچکا، یژوی (۱۳۷۲) ترجمه سعید عبانزاد هجران دوست و محمود عبادیان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی بین‌المللی.
- از ساقه تا صدر، زندگی و شعر شعرای تاجیکستان در قرن بیستم، موسوی گرمارودی، سیدعلی (۱۳۸۸) تهران: قدیانی.
- ایامی که در انتظار بودیم، فیروز، بهرام (۱۹۸۷) نشریه اتفاق نویسندگان تاجیکستان، شماره ۴.

- بررسی اشعار تعلیمی و غنایی در آثار شاعران معاصر تاجیکستان، نفیسی، غلامعباس (۱۳۹۱) فصلنامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادبیات فارسی، شماره ۱۲، صص ۱۲۳-۱۳۶.
- بررسی تطبیقی کاربرد اسطوره و کهن‌الگو در شعر فروغ فرخزاد و گلرخسار صفی‌آوا، اکبری بیرق، حسن و اسدیان، مریم (۱۳۹۳) دوفصلنامه پژوهش‌های ادبیات تطبیقی، (۱) ۲، صص ۱۶۱-۱۹۲.
- پاره ای از تاریخ تاجیکستان در مسیر تاریخ، شکوری بخارایی، محمدجان (۱۳۸۵) بی جا: بی نا.
- تأثیر شعر ایران بر شعر معاصر تاجیکستان، شعر دوست، علی‌اصغر (۱۳۷۶) ایران‌شناخت، شماره ۴، صص ۳۱-۵۴.
- تأثیر شعر معاصر ایران بر شعر تاجیکستان، شریف‌زاده مود، میترا (۱۳۹۴) نشریه ادبیات تطبیقی، (۱۳) ۷، صص ۱۴۹-۱۷۳.
- تاجیکستان در مسیر تاریخ، شکورزاده، میرزا (۱۳۸۵) تهران: الهدی.
- تحلیل نوستالژی وطن در میراث شعری بانوی تاجیک گلرخسار صفی‌آوا، خدایار، ابراهیم (۱۳۹۸ الف) مجله شعرپژوهی (بوستان ادب) دانشگاه شیراز، (۴) ۱۱، صص ۴۷-۷۰.
- تحلیل و صورت‌بندی هویت ملی فارسی‌زبانان در اندیشه و شعر گلرخسار صفی‌آوا، خدایار، ابراهیم (۱۳۹۸ ج) فصلنامه مطالعات ملی، (۴) ۲۰، صص ۷۳-۹۲.
- تحول تصویر در شعر معاصر تاجیک، شعر دوست، علی‌اصغر (۱۳۷۵) نشریه علوم انسانی، ایران‌شناخت، شماره ۳، صص ۱۴۹-۱۴۶.
- تحول مضمون عشق به وطن در شعر معاصر تاجیکستان، محمدی بدر، نرگس؛ یزدانی، حسین و علی‌اکبرزاده، مرجان (۱۳۹۸) بهار ادب، (۳) ۱۲، صص ۳۷۹-۳۹۷.
- تحول مفهوم وطن در ادب معاصر تاجیک: از معارف پروری تا استقلال و خودآگاهی ملی، خدایار، ابراهیم (۱۳۹۸ ب) متن‌پژوهی ادبی، (۸۲) ۲۳، صص ۳۵-۶۰.
- تقدیر تاریخی فرهنگ ملت‌های منقسم، تورسون‌اف، اکبر (۱۹۹۱) مجله اخبارات آکادمی علوم جمهوری تاجیکستان، شماره ۳، صص ۱۵-۲۲.
- جریان‌شناسی شعر معاصر، عالی‌عباس‌آباد، یوسف (۱۳۹۱) تهران: سخن.
- چشم‌انداز شعر معاصر تاجیکستان، شعر دوست، علی‌اصغر (۱۳۸۹) تهران: الهدی.
- خورشیدهای گمشده، قزوه، علیرضا (۱۳۷۶) گزیده شعر امروز تاجیک، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- دانشنامه زبان و ادب فارسی: ادب فارسی در آسیای مرکزی، انوشه، حسن (۱۳۷۵) جلد ۱؛ تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- دریغ‌یاد (نوستالژی) در شعر چهار شاعر معاصر تاجیک؛ نفیسی، فروغ؛ اسماعیلی، حسین و ابراهیمی‌زاد، رقیه (۱۴۰۰) فصلنامه علمی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا) (۴۷) ۱۳، صص ۲۰۵-۲۲۸.
- دوره‌بندی شعر معاصر تاجیک، از روشنگری تا استقلال، خدایار، ابراهیم (۱۳۹۷) نقد و نظریه ادبی، (۵) ۳، صص ۲۱-۴۵.
- زندگی‌نامه در سکرآت گلرخسار، شریفی، هدیه (۱۳۹۰) تهران: اطلاعات.
- زنگوله زنان گذشت باران: سیری در شعر معاصر تاجیکستان، قدیانی، مهرداد و بهروز، ذبیح‌الله (۱۳۹۰) تهران: آرمانشهر.
- سیر رمانتیسیم در اروپا، جعفری، مسعود (۱۳۷۸) تهران: نشر مرکز.
- شعر تاجیکستان، عجمی، رستم (۱۳۸۷) منشور ادبیات، شماره ۵۷، صص ۶۴.
- عاشقانه‌های سیاسی-اجتماعی در شعر معاصر تاجیکستان، علی‌اکبرزاده، مرجان (۱۳۹۲) پژوهشنامه ادب غنایی دانشگاه سیستان و بلوچستان، (۲۰) ۱۱، صص ۱۸۱-۱۹۶.

- فارسی ایران و تاجیکستان، کلباسی، ایران (۱۳۷۴) تهران: دفتر مطالعات سیاسی وزارت امور خارجه.
- کلیات سبک‌شناسی، شمیسا، سیروس (۱۳۸۴) تهران: میترا.
- گلچینی از اشعار، صفی‌آوا، گلرخسار (۱۳۷۳) به سعی میرزا شکورزاده، تهران: الهدی.
- مجموعه اشعار، صفی‌آوا، گلرخسار (۱۳۹۵) با مقدمه سیمین بهبهانی، تهران: نگاه.
- مقدمه‌ای بر شعر امروز تاجیک، قزوه، علیرضا (۱۳۷۷ الف) مجله شعر، شماره ۲۳، صص ۹۰-۹۹.
- مکتبه‌های ادبی، سیدحسینی، رضا (۱۳۷۶) تهران: نگاه.
- نسلها و جریانهای شعری در شعر معاصر تاجیکستان، قزوه، علیرضا (۱۳۷۷ ب) مجله شعر، شماره ۲۲، صص ۶۴-۶۷.
- نقد و بررسی نوآوری در شعر معاصر تاجیکستان، شفیعی‌پور فومنی، محمداسماعیل و وفایی، عباسعلی (۱۳۹۹) بهار ادب، (۲) ۱۳، صص ۲۰۹-۲۲۸.
- نگاهی به سبک شعر امروز تاجیکستان؛ مدرس‌زاده، عبدالرضا (۱۳۹۱) پژوهشهای نقد ادبی و سبک‌شناسی، شماره ۱، پیاپی ۹، صص ۱۸۱-۲۰۱.

#### معرفی نویسندگان

**خدیجه صاحبکار فرخانی:** دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد شیروان، دانشگاه آزاد اسلامی، شیروان، ایران.

(Email: [kh.sahebkar89ta@gmail.com](mailto:kh.sahebkar89ta@gmail.com))

**محمدعلی شریفیان:** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد شیروان، دانشگاه آزاد اسلامی، شیروان، ایران. (نویسنده مسئول: [masharifijan47daa@yahoo.com](mailto:masharifijan47daa@yahoo.com))

**شبنم شفیعی مقدم:** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد شیروان، دانشگاه آزاد اسلامی، شیروان، ایران. (Email: [sh.shafiee1393@gmail.com](mailto:sh.shafiee1393@gmail.com))

#### COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.



#### Introducing the authors

**Khadijeh Sahebkar Farkhani:** PhD student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Shirvan Branch, Islamic Azad University, Shirvan, Iran.

(Email: [kh.sahebkar89ta@gmail.com](mailto:kh.sahebkar89ta@gmail.com))

**Mohammad Ali Sharifian:** Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Shirvan Branch, Islamic Azad University, Shirvan, Iran.

(Email: [masharifijan47daa@yahoo.com](mailto:masharifijan47daa@yahoo.com) : Responsible author)

**Shabnam Shafiei Moghaddam:** Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Shirvan Branch, Islamic Azad University, Shirvan, Iran.

(Email: [sh.shafiee1393@gmail.com](mailto:sh.shafiee1393@gmail.com))